

و استغفار نمود باز آن موی بریشانی و بی برستی را وی
 گوید که من آن موی را دیدم پیش از آن که بریزد و بعد از آن
 که ریخته بود و دوم بار نیز که رسته بود **دوم در خواب**
 یکی از صاحبین که گفت بشی قیامت را در خواب دیدم که قائم
 شده است و همه خلائق را در جیبها نگاه داشت کرد که تا نظر او
 نرود یک رسیده و از اینجا که چشمها گاه دیدم که رسول صلی الله
 علیه و سلم بر کنار حوض کوثر است و حسن و حسین رضی الله عنهما
 مردمان آب میدهند پیش ایشان رفته که مر آب دهندند از پیش
 رسول صلی الله علیه و سلم آدم که بار رسول الله ایستاد البوی که مر آب
 دهند رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که تر آب بخوان داد که هر چه
 بار رسول الله گفت از آن سبب که در همسانگی تو شخصی است که غایب
 لعنت میکند و با میکوی و تو و تو مرا منع میکنی من گفته بار رسول صلی
 که قصه بھلاک من کند و مر استطاعت آن نیست که منع وی تواند
 کرد رسول صلی الله علیه و سلم کار در بر من داد و فرمود که برو دور
 بکش من در خواب بر آنستم پس باز آنستم پیش رسول صلی الله علیه و سلم

آدم و گفته تا رسول الله آنچه فرمودی کردم پس رسول صلی الله علیه و سلم
 فرمود که ای حسن بر آب و با میرالمونین حسن رضی الله عنده مرا
 آب داد و من کاسه از وی گرفتم و بعد از آن که خوردم باقی آن را از آن
 از خواب بیدار شدم بسیار ترسناک و ضو ساسختم و مشغول گشتم
 تا آن زمان که صبح بدیدم ناگاه آوازی هر دم بر آمد که فلان حسن
 بر جامه خواب و بی نشسته اند و کجا نشکان تا کم آمده اند و میسایند
 بکناره را گرفتند با خود گفتند سبحان الله این خوابی است که من
 دیدم از ای تعالی او را رست ساخته است برخاستم پیش
 حاکم رفتم و گفتم این کار است که من کردم و مردم از من بکنایه
 تا کم گفت و ای بر تو این چیست که میکوی گفته آن خوابی است که من
 دیدم از خدا بر تعالی از آن رست ساخته است گناه من چیست
 و خواب را با وی حکایت کردم گفت چرا که خیر بر خیز و برو
 که تو بکنایه ای و قوم نیز بکنایه **دوم در خواب** که علی بن
 رضی الله عنهما گفته است که سعید بن مسیب رحمة الله عنده شخصی را
 این نمود و گفت بر خیز و برو باه این گفته تو حال میرا با زبانی چه

آدم در خواب